

مکاتب تربیتی پایدارگرایی، ماهیت‌گرایی، پیشرفت‌گرایی و بازسازی‌گرایی؛ ویژگی‌ها، اشتراکات و تمایزات

محمدایوب عارفی^۱

چکیده

فلسفه و مکتب تعلیم و تربیت نقش زیربنایی دانش و بینش و میراث علمی و فرهنگی را دارد، در میان مکاتب و نظریات تربیتی چهار نظریه پایدارگرایی، ماهیت‌گرایی، پیشرفت‌گرایی، بازسازی‌گرایی و بنیان‌هایی فلسفی این مکاتب از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است، در این مقاله سعی شده به معرفی مکاتب از حیث تاریخی، مبانی فلسفی، اهداف و محتوا، اشتراکات و تمایزات به‌اختصار، پرداخته شود، بر اساس این تحقیق مکاتب چهارگانه با همه مزایایی که دارند، نگاه یکسویه و تک‌بعدی به انسان دارند، جامع‌ترین مکتب تربیتی را تعلیم و تربیت واقع‌گرایی اسلامی دارد که مبتنی بر انسان‌شناسی دینی تمام ابعاد و ساحت‌های تربیتی انسان را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مکاتب تربیتی، پایدارگرایی، ماهیت‌گرایی، پیشرفت‌گرایی، بازسازی‌گرایی

مقدمه

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

چهار نظریه یا مکتب تربیتی: ماهیت‌گرایی و پایدارگرایی، پیشرفت‌گرایی و بازسازی‌گرایی

مکاتب ماهیت‌گرایی و پایدارگرایی دو مکتب فلسفی تربیت به عنوان مکاتب بنیادگرا یا سنتی یاد می‌شوند، در مقابل پیشرفت‌گرایی یا عمل‌گرایی و بازسازی‌گرایی مکاتب فلسفی جدید و مدرن تربیتی گفته می‌شود. الگوی تعلیم و تربیتی این مکاتب از اصول ایدئالیسم، رئالیسم، نئوتومیسیم، پراگماتیسم، اگزیستانسیالیسم به دست می‌آید، براساس شیوه متعارف، لازم است الگوی تربیتی تهیه گردد، در سده اخیر چهار الگوی تأییدشده از فلسفه تعلیم و تربیت ظهور و اجرا شده است:

۱- پایدارگرایی Perennialism

۲- ماهیت‌گرایی Essentialism

۳- پیشرفت‌گرایی Progressivism

^۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.

۴- بازسازی گرایی Reconstructionism

هرکدام از این چهار مکتب در یک یا چند مکتب فلسفی ریشه دارد، به عنوان مثال پایدارگرایی اصول خود را از رئالیسم کسب کرده است، ماهیت گرایی در ایدئالیسم افلاطون و رئالیسم ارسطو ریشه دارد، پیشرفت بازسازی گرایی بنیان فلسفه پراگماتیسم و عمل گرایی دارد، بخش های از بازسازی گرایی حلقه از یادگیری مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۲) و همچنین نو لیبرالیسم است (گوتک ۱۳۹۶: ۴۷۷).

با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در سطح جهان و شناخت ایده ها و نظریات علمی و شیوه های پیاده نمودن آنها در کشورهای در حال توسعه، لازم است به مکاتب تربیتی اثرگذار در نظام های آموزش و پرورش کشورهای جهان به ویژه چهار مکتب نسبتاً جدید پایدارگرایی، ماهیت گرایی، پیشرفت گرایی و بازسازی گرایی بپردازیم، بنای ما بر این است که این چهار مکتب تربیتی را از حیث تاریخچه، بنیان گذاران و پیشگامان، اهداف و اشتراکات و تمایزات، به طور فشرده مورد تحقیق قرار دهیم.

ماهیت گرایی

تاریخچه

احساس گرایی تعبیر دیگری از ماهیت گرایی است (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۴) این فلسفه تربیتی ریشه در ایدئالیسم و رئالیسم دارد، در دهه ۱۹۳۰ به عنوان بازتابی در برابر پیشرفت گرایی بروز کرد و در اثنای جنگ سرد و اسپاتنیک در دهه های ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ رشد کرد (همان).

جرالد گوتک بر این باور است که دکتربین ماهیت گرا توسط گروهی از پرورش کاران هم مشرب در اجلاس انجمن ملی آموزش و پرورش آمریکا، در سال ۱۹۳۸ رسماً اعلام شد، ماهیت گرایان در عکس العمل علیه چیزی که آن را زیاده روی های آموزش و پرورش پیشرفت گرا می نامیدند، استدلال می کردند که وظیفه اولیه آموزش و پرورش رسمی عبارت از پاسداری و انتقال عناصر بنیادی یا ماهوی فرهنگ بشری است. (گوتک ۱۳۹۶: ۳۹۶).

اصطلاح «ماهوی» بدان معنی است که مدرسه در ایفای نقش خویش به عنوان انتقال دهنده فرهنگ، عناصر بنیادین فرهنگی را شناسایی می کند و تداوم می بخشد. خوشایند نیست که مدرسه وظایف غیر ضروری مانند «سازگاری اجتماعی»، آموزش و پرورش شغلی، آموزش و شیوه مصرف، کلاس های آشپزی و فعالیت های از این قبیل را که باید در جاهای دیگر آموزش داده شوند برعهده گیرد. تکفل این امور از جانب مدرسه به منزله آن است که هسته اساسی مهارت ها و موضوعات بنیادی تنگ مایه شده یا تقلیل یافته است (گوتک ۱۳۹۶: ۳۱۲).

ویلیام باگلی William Bagley از بنیان‌گذاران ماهیت‌گرایی است، عقاید طرفداران این مکتب به‌وسیله او از دانشکده علوم تربیتی کلمبیا شکل گرفته است، بعدها توسط دانشمندی بنام «ارتور بستور» از دانشگاه الینویز و دریاسالار «هیمن ریک اور» تحول یافت. (خلیلی شورینی ۹۴: ۱۳۷۸).

پرورشکاران دیگری همچون مایکل دمیاشکوویچ، والتراج. رایل، ام. ال. شین و گاری ام. ویپل، از جمله کسانیست که ماهیت‌گرا و پیروی به گلی می‌باشند (گوتک ۱۳۹۶: ۳۹۷).

هدف و محتوای ماهیت‌گرایی

هدف ماهیت‌گرایی این است که بیشتر به تسلط یادگیرنده بر مفاهیم و اصول ماده درسی توجه شود (ملکی ۸۹: ۱۳۹۴). ماهیت‌گرایان ریشه در گذشته نداشته، بلکه بیشتر با دیدگاه معاصر هماهنگ هستند. پایدارگرایان و ماهیت‌گرایان هر دو موضوعاتی مانند هنر، موسیقی، تربیت‌بدنی، خانه‌داری و تربیت حرفه‌ای را دروس سرگرم‌کننده و حاشیه‌ای می‌دانند، ماهیت‌گرایان بر این باورند که همه یادگیرندگان بدون توجه به توانایی‌ها و علایق باید یک برنامه درسی داشته باشند، این برنامه باید از نظر محتوا عقلانی باشد و با کمیت و میزان ظرفیت یادگیرندگان تناسب داشته باشد (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۴).

بنیان فلسفی

ماهیت‌گرایی به عنوان نظریه تربیتی، متضمن پاره‌ای از مضامینی است که با فلسفه‌های سنتی همچون ایدئالیسم، رئالیسم و تومیسیم شباهت دارد، چشم‌انداز تربیتی ماهیت‌گرایی، همانند این فلسفه‌ها بر انتقال دیدگاهی ساخت‌مند و منظم از واقعیت به نسل جوان تأکید دارد. درحالی‌که ایدئالیسم، رئالیسم و تومیسیم از وجهه متافیزیک به واقعیت می‌نگرند، ماهیت‌گرایان برای ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مزیت قایلند (گوتک ۳۱۰: ۱۳۹۶). ماهیت‌گرایی با برخی از وجوهی طبیعت‌گرایی، عمل‌گرایی و اگزیستانسیالیسم در تضاد است. برخلاف طبیعت‌گرایان که بر پرورش توانمندی عواطف و احساسات شخصی تأکید دارند، ماهیت‌گرایان بر اهمیت اساسی ذهن انسان تکیه می‌کنند، ابزاری که به مدد معارف عقلایی به بهترین وجه قابل پرورش است. علی‌رغم عمل‌گرایان که جهان را تکاملی و دائم‌التغییر می‌دانند، ماهیت‌گرا خواستار آن است که آموزش و پرورش، به‌ویژه تحصیلات رسمی، برای انسان تکیه‌گاه پایدار و مطمئنی فراهم کند. درحالی‌که اگزیستانسیالیسم به ذهنیت و تشخیص فردی توجه می‌کند، ماهیت‌گرایان بر انتقال محتوای برنامه درسی از پیش تعیین‌شده به متعلمان پافشاری می‌نماید (گوتک ۱۳۹۶: ۳۱۱).

پایدارگرایی

تاریخچه

رابرت هوچنز Robert Hutchins (۱۸۹۹-۱۹۷۷) یکی از طرفداران پرآوازه مکتب پایداری است (چالمه ۱۳۸۹).

پایداری قدیمی ترین و درعین حال محافظه کارترین فلسفه تعلیم و تربیت است که ریشه در رئالیسم دارد. پایداری به عنوان فلسفه از تعلیم و تربیت برگزیده تأکید دارد، به ویژه گذشته ای که به وسیله دانش جهانی مورد قبول واقع شده و بر شکوفایی نظام ارزش ها تکیه دارد. این فلسفه تربیتی مدافع ارائه دانشی است که زمان آن را تأیید نموده و برای ارزش های که موجودیتی اخلاقی، معنوی و تداوم فیزیکی دارند، تأکید دارند. (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۳)

بنیان فلسفی پایداری

نظریه پایداری در تعلیم و تربیت از فلسفه رئالیسم، بهره گیری فراوانی کرده است. از نظر متافیزیکی پایداریان برای جهان و جایگاه انسان در آن خصیصه عقلانی و روحانی قائل شده اند. پایداریان به پیروی از این اصل ارسطویی که انسان موجودی عاقلی است مدرسه را به صورت نهاد اجتماعی که بالاخص برای پرورش عقلانی انسان طرح ریزی شده است، در نظر می گیرند. اصطلاح پایداری از این اعتقاد برمی خیزد که اصول مهم آموزش و پرورش تغییرناپذیر است، به عقیده پایداریان اولین مسئله فیلسوف آموزش و پرورش تأمل در طبیعت انسانی و تدارک برنامه ای بر پایه خصیصه های کلی آن است. (چالمه ۱۳۸۹).

رابطه ای پایداری و ناتورالیسم

برخی معتقدند که یکی از مکتب های که زیربنای تفکر پایداری را شکل می دهد ناتورالیسم یا طبیعت گرایی است، پایداریان تأکید شان بر این است که طبیعت کودک و نوجوان اصل است و تربیت بایستی این اصالت را مبنای کارش قرار بدهد. کودک را باید به عنوان موجودی که فعلاً هست در نظر گرفت پیش از این که باید باشد؛ بنابراین آموزش - پرورش عمل آماده ساختن دانش آموز برای آینده نیست، بلکه او را برای زمان حال آماده می کند. (افراسیابی ۱۳۹۵)

از نظر این نویسندگان آموزش و پرورش از لحاظ فلسفه طبیعت گرایی و پایداری باید امکان رشد طبیعی را برای کودک فراهم سازد و تربیت وقتی حقیقی خواهد بود که به طبیعت و نیروها و امیال کودک فرصت دهد که به سرعت رشد و نمو کنند و از دخالت در این رشد باید خودداری کرد. به همین سبب پیروان این مکتب گاهی مدارس را به منزله سربازخانه هایی می دانند که آزادی کودک در آنها محدود می شود. درباره تربیت خانه نیز ایشان تردید دارند و بعضی از طبیعت گرایان نیز که افراطی می اندیشند معتقدند که کودک را باید دور از خانه و دخالت والدین نگاه داشت!

وی اضافه می کند که به عقیده پایداریان و ناتورالیست ها؛ بدترین مدارس آن هایی هستند که روش های غیرطبیعی به کار می برند، مانند تدریس کلاسی که دانش آموزان را در یک سطح می گیرد و برای آموزش آنان از یک روش استفاده

می‌شود و همچنین از جدول‌هایی که کودکان را به گوش دادن به یک معلم در یک وقت وامی‌دارند متنفر است، بدین ترتیب منادیان و حامیان و طرفداران این مکتب نظام فعلی آموزش-پرورش را مردود می‌دانند.

این فیلسوفان تربیتی از هرگونه سیاست و روش تربیتی القاء و تلقین و دخالت و رفتار آمرانه بیزار بوده و صرفاً نظارتی متعارف را می‌پذیرند. دانش آموزان بایستی به گونه‌ای بار بیابند که شخصاً خود به جست‌وجو و یادگیری بپردازند. به این ترتیب یادگیری کودک یک نوع رشد و تکامل طبیعی امیال و انگیزه‌های اوست نه نتیجه فعالیت و کوشش ساختگی که معلم بر او تحمیل می‌کند.

مربیان پیرو فلسفه اصالت طبیعت و پایدارگرایی عقیده دارند که آموزش و پرورش کودک میان پنج تا دوازده سالگی باید سلبی باشد؛ یعنی چیزی به او یاد داده نشود و خواندن کتابی به او تحمیل نشود، بلکه این دوره از زندگی باید به تربیت بدن و تقویت اعضا و حواس اختصاص یابد و هیچ تربیت اخلاقی خارج از قانون مجازات طبیعی به عمل نیاید. (افراسیابی ۱۳۹۵).

نقد و بررسی

اینکه طبیعت‌گرایی به آزادی و رشد طبیعی کودک و دور از فشارهای خانواده و رفتارهای سرکوبگرانه، تأکید می‌کند شکی نیست، ولی به نظرمی رسد این نویسنده بین پایدارگرایی و پیشرفت‌گرایی مبتنی بر طبیعت‌گرایی خلط کرده است، آزادی‌های طبیعی و فردی از مبانی پیشرفت‌گرایی است نه پایدارگرایی. جرال د گوتک بر این باور است که پایدارگرایی به دلیل ریشه‌های ارسطویی و واقع‌گرایانه‌اش با طبیعت‌گرایی، عمل‌گرایی و اگزیستانسیالیسم تفاوت دارد (گوتک ۱۳۹۶: ۴۳۲). وی تصریح می‌کند که پایدارگرایان مذهبی از جمله ژاک مارتین (متولد ۱۸۸۲ در فرانسه) باتوجه به اینکه بر پرورش خرد تأکید دارند، طبیعت‌گرایی ژان ژاک روسو، اختیار باوری وی و آزادی عواطف را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند، چراکه عاطفه‌گرایی ساده‌انگارانه ناکافی است، انسان نیکوکردار کسی است که عقل بر او حکومت کند نه عاطفه (همان: ۴۲۶).

هدف و محتوا

پایدارگرایی دیدگاهی است که ماهیت جهان، حقیقت، دانش، تقوی، زیبایی و مانند آن را غیرقابل تغییر می‌داند (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۳)

رابرت هوچنز Robert Hutchins یکی از پیروان متجدد فلسفه ارسطو (گوتک ۱۳۹۶: ۵۴) پایدارگرایی را چنین توصیف می‌کند:

«هدف تعلیم و تربیت در هر عصر و زمان و جامعه یکی است. هدف رشد انسان به عنوان انسان است» (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۳).

با چنین تعبیری، تعلیم و تربیت مداوم، مطلق و جهانی خواهد بود. معلم در این دیدگاه به عنوان مرجعی که دانش و تجاربش زیر سؤال نخواهد رفت، به حساب می‌آید. علایق دانش آموزان در برنامه درسی، جایگاهی ندارد، زیرا یادگیرندگان هنوز به بلوغ کامل و قضاوت نرسیده‌اند تا دریابند، بهترین دانش و ارزش‌ها که باید فراگیرند، چیست. اینکه دانش آموز دروس را دوست داشته باشند در درجه دوم اهمیت قرار دارد (همان).

هدف پایدارگرایی در تعلیم و تربیت پرورش عقل و رشد عقلانی است (ملکی ۱۳۹۴: ۸۹). پایدارگرایان روی کاربرد خرد تأکید می‌کنند و معتقدند که محصلان باید یاد بگیرند که انگیزه‌ها و تکانه‌های اساسی خود را چگونه خردمندانه کنترل کنند. از منظر این سیستم تربیتی، مدرسه رفتن به منظور آماده شدن برای زندگی است. مدرسه باید خواندن، نوشتن، حساب کردن، میراث فرهنگی و تاریخ کشورهای جهان را به دانش آموزان تدریس کند و تنها به آنچه آنان می‌خواهند در آن زمان یاد بگیرند، قانع نشود. (افراسیابی، ۱۳۹۵).

پیشرفت گرایی

تاریخچه

تعریف پیشرفت گرایی: درواقع پیشرفت گرایی، جهان نگرینی است که مبتنی بر باور «بهبود و اصلاح شرایط انسان و جامعه هم ممکن است و هم مطلوب» استوار است (باقری، ۱۳۹۲).

حرکت پیشرفت گرایی در تعلیم و تربیت، همچنین بخشی از بزرگترین جنبشی اجتماعی و سیاسی اصلاح گرایانه است که جامعه آمریکا را در قرن بیستم متحول ساخت. (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۵).

ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)، جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲)، پستالوتسی (۱۷۴۶-۱۸۲۷)، کلپتیریک و... از پیشگامان پیشرفت گرایی در آموزش و پرورش‌اند، دیویی در جامع‌ترین اثرش «دموکراسی و تعلیم و تربیت» اعلام نمود که آزادی و تعلیم و تربیت دست در دست هم حرکت می‌نمایند، جامعه آزاد و تعلیم و تربیت آزاد با یکدیگر سهیم و نیازمند یکدیگرند (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۵).

هانریش پستالوتسی سوییسی (۱۷۴۶-۱۸۲۷)

پستالوتسی در زوریخ المان به دنیا آمد و ابتدا به فکر بیرون آوردن روستائیان از فلاکت و بدبختی بود، او از جوانی تحت تأثیر افکار ژان ژاک روسو قرار گرفت و بعدها کودکی را با آموزه‌های روسو در کتاب امیل تربیت کرد، وی یتیم‌خانه‌ای را تأسیس کرد و ده‌ها روش نوین آموزشی و تربیتی را به مدت ۲۰ سال در آنجا پدید آورد و در ۱۷ فوریه ۱۸۲۷ از دنیا رفت.

پستالوتسی انسان نوع دوست بود خانه خود را به پرورش گاه کودکان بی سرپرست تبدیل کرد، آموزشگاهی برای آموزش بزرگسالان تأسیس کرد، از جمله کارهای مهم او در آموزش و پرورش این بود که کودکان را علوم، ریاضی، زبان و

ریسندگی هم‌زمان یاد می‌دادند و در همان زمان به آموزش دین و اخلاق تأکید می‌کرد. عده‌ای از صاحب‌نظران او را بنیان‌گذار روش نوین تربیتی در اروپا دانسته‌اند (ویکی‌پدیا).

بنیان فلسفی

پیشرفت‌گرایی به عنوان نظریه تربیتی به شدت وامدار فلسفه‌ای طبیعت‌گرایی روسو و عمل‌گرایی جان دیوی است، پیشرفت‌گرایان از طبیعت‌گرایی روسو این آموزه را به عاریه گرفتند که کودکان را بایستی آزاد گذاشت تا طبق رغبت‌ها و نیازهای خود رشد کنند (گوتک ۱۳۹۶: ۴۵۲).

طیف دیگری از پیشرفت‌گرایان توجیه نظریه خود را از عمل‌گرایی یا آزمایش‌گرایی دیویی اخذ کردند، هرچند پیشرفت‌گرایان می‌توانستند درباره رهایی بخشیدن کودکان از آموزش سرکوبگرانه به توافق برسند، درباره میزانی که آموزش و پرورش نیروی اجتماعی به حساب می‌آید یا در این خصوص که تربیت مستلزم قدری تحصیل است، هم‌داستان نبودند. پیشرفت‌گرایان پیروی دیویی که معتقد بودند تعامل اجتماعی هوش انسان را سامان می‌بخشد، در مسائل و موضوعات اجتماعی نقش بیشتری به گروه می‌دادند. پیشرفت‌گرایان دیویی مرام همچنین بر قدرت روش علمی برای نیل به تفکر کامل و تأملی تأکید می‌نهادند و روش روسو را مبنی بر جدا کردن کودکان از جامعه نمی‌پذیرفتند. به این ترتیب اتکای فلسفی پیشرفت‌گرایی چه بر عمل‌گرای و چه بر طبیعت‌گرایی تنش‌های درونی را به وجود آورد (گوتک ۱۳۹۶: ۴۵۳). پیشرفت‌گرایی، فلسفه‌های سنتی همچون ایدئالیسم، رئالیسم و تومیسیم و تکیه آنها را بر حقیقتی از پیش موجود، مقوله‌های مترتب و موضوعات درسی مردود می‌انگاشت. (گوتک ۱۳۹۶: ۴۵۳)

ازلحاظ ایدئولوژیک، پیشرفت‌گرایی با لیبرالیسم، چه کلاسیک و چه صورت جدیدتر آن نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها بیشترین سازگاری را دارد. تقید لیبرالیسم به حقوق و آزادی‌های فردی، در تکیه پیشرفت‌گرایی بر فرد کودک، به عنوان اصل مستفادی پذیرفته شد. آزادی پژوهش و آزمایش ایده‌ها که نظریه‌پردازان لیبرال مانند جان استوارت میل خاطر نشان کرده بودند، نیز مورد تأکید پیشرفت‌گرایان بوده است. (گوتک ۱۳۹۶: ۴۵۴)

هدف و محتوا

هدف پیشرفت‌گرایی توسعه زندگی اجتماعی دموکراتیک است (ملکی ۱۳۹۴: ۸۹). هدف پیشرفت‌گرایان به نحوی با تفکر فلسفی پراگماتیسم گره خورده است، نگاه پراگماتیسم به هستی به عنوان موضوع در حال تغییر و اینکه انسان می‌تواند هستی را تجربه کند و از نو بسازد موجب می‌شود که هدف اصلی تعلیم و تربیت این مکتب، در بازسازی مستمر این تجارب تعریف شود (میرزا محمدی و دیگران ۱۳۸۹).

موریس (Morris) نقش پراگماتیسم را در اهداف تعلیم و تربیت با این عبارات جمع‌بندی می‌کند: مسلماً «روحیه مشارکت» اهمیت زیادی را به مراودات انسان‌ها و نوع دوستی افراد می‌دهد. این امر تا اندازه‌ای بدین دلیل است که تحت

تأثیر اندیشه‌های دیوئی و پیشرفت‌گرایان در پنجاه سال اخیر، اجتماعی شدن کودک به عنوان یک هدف مهم تربیتی، اهمیتی برابر با پرورش عقلانی وی کسب کرده است (گریز ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۸)

براساس تفکر پیشرفت‌گرایان ابزار و مهارت‌های یادگیری شامل روش‌های حل مسئله و تحقیق به روش علمی است. به علاوه تجارب یادگیری که باید شامل رفتار همکاری و انضباط شخصی باشد که هردو برای زندگی دموکراتیک لازم است. از طریق این مهارت‌ها و تجارب، مدرسه قادر است فرهنگ جامعه را درحالی که یادگیرندگان را برای ایجاد تغییر در جهان آماده می‌سازد، منتقل نماید. آنان بر «چگونه فکر کردن» نه «چه فکر کردن» تأکید زیاد دارند (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۵).

برخلاف دیدگاه پایدارگرایان که جهان را ثابت می‌دانستند، پیشرفت‌گرایان واقعیت و جهان را به‌طور مدام در حال تغییر می‌دانند، لذا نیاز زیادی برای تمرکز روی ساختار دانش نمی‌بینند (همان).

بازسازی گرایی

تاریخچه

نظریه ای بازسازی اجتماعی یا بازسازی‌گرایی را به لحاظ تاریخی می‌توان در افکار و آثار جورج اس. کاونتس آمریکایی (۱۹۷۴-۱۸۸۹) جستجو کرد، کاونتس در کتاب خود با عنوان آیا مدرسه شهامت ایجاد نظم اجتماعی نوین را دارد؟ بیان روشنی مبنی بر این نیاز که پرورش‌کاران باید مسائل اجتماعی را حل نمایند، عرضه می‌کند. او پرورش‌کاری است که بازسازی اجتماعی را ترغیب می‌کند. (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۳). وی که دکترایش را در سال ۱۹۱۶م از دانشگاه شیکاگو گرفت، نظریه اجتماعی را درباره مسائل تربیتی اعمال کرد، کاونتس سمت استادی دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا و ریاست اتحادیه معلمان آمریکا را برعهده داشت، او در آموزش و پرورش تطبیقی پرورش‌کار برجسته‌ای بود و دیدگاه‌های پیش‌تازانه‌ای درباره جامعه و آموزش و پرورش شوروی سابق ابراز داشت. وی طرفدار جدی آزادی‌های مدنی بود (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۴). در دیدگاه کاونتس بازسازی اجتماعی پس از بحران فرهنگی به عنوان مهمترین دغدغه وی مطرح است. کاونتس در تحلیلش از نظریه تأخر فرهنگی (cultural - lag) بهره می‌گیرد. به موجب این نظریه هرگاه خلاقیت تکنولوژی بشر بر آگاهی اخلاقی و سازمان اجتماعی پیشی بگیرد تأخر یا رکود روی می‌دهد. بحران سازمان بر اثر سلسله طولانی از ناسازگاری‌ها که بین نگرش‌ها و ارزش‌های به ارث رسیده از یک سو و نوآوری‌های تکنولوژیک از سوی دیگر رخ می‌دهند، بروز می‌کند (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۵).

به عقیده کاونتس نکته مهم آن است که نظریه‌ای تربیتی برای آماده ساختن مردم جهت حل بحران‌های اجتماعی از طریق بازسازی افکار، باورها و ارزش‌ها در پرتو شرایط متغیر صورت‌بندی شود. در کتاب «آیا مدرسه شهامت ایجاد نظم اجتماعی نوین را دارد؟» پرورش‌کاران را برای ساختن نظام آموزشی که بر پیدایش جامعه جهانی تأکید نهد، به چالش خوانده است (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۶).

بنیان‌گذار این مکتب تربیتی، تنودوربراملد (Brameild۱۹۵۰) است. از پیروان این مکتب می‌توان از ماریوفان تینی، هارولدشین و الوین تافلر نام برد (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۶).

هدف و محتوا

بازسازی گرایان به جامعه (همه طبقات آن) توجهی زیاد نشان می‌دهند، برپایه دیدگاه این مکتب دانش آموزان و معلمان باید جامعه را بسازند (خلیلی شورینی ۱۳۷۸: ۹۶) لذا گفته است که هدف بازسازی گرایایی بازسازی جامعه و تغییر و اصلاح اجتماعی است. (ملکی ۱۳۹۴: ۸۹).

اگرچه بازسازی گرایان درباره جزئیات هم‌داستان نیستند، ولی بر این اصول توافق دارند:

۱. همه فلسفه‌ها، ایدئولوژی‌ها و نظریه‌ها ازجمله نظریه‌های تربیتی که بر فرهنگ متکی بوده‌اند، از الگوهای فرهنگی که مشروط و مقید به زندگی در زمانی معین و مکانی مشخص هستند، سرچشمه می‌گیرند.
۲. فرهنگ به‌مثابه فرآیندی پویا، پیوسته در حال توسعه و تغییر است.
۳. انسان‌ها، قادرند فرهنگ را به‌گونه‌ای تغییر شکل دهند که رشد و توسعهٔ انسانی را اعتلا بخشد (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۰).

نظریه‌ای بازسازی، مدعی است که جامعه جدید به علت بی‌میلی‌اش به بازسازی بنیادی فرهنگی، بحران عمیقی را تجربه می‌کند. علائم بحران فرهنگی فراوان‌اند. هم در ایالات متحده هم در سایر نقاط جهان، در ایالات متحده تفاوت‌های زیادی در سطح زندگی اقتصادی وجود دارد، ثروت در انحصار عده‌ای قلیلی است و اکثریت با فقر شدید زندگی می‌کنند و قربانی سال‌های طولانی فقر و تبعیض‌اند. در سطح بین‌الملل جنگ و خطر بالقوهٔ تخریب هسته‌ای بر جهان سایه افکنده است و ادامه حیات بشر را در کره زمین تهدید می‌کند. مسائلی از قبیل بالا رفتن جمعیت، آلودگی هوا و محیط‌زیست، خشونت و تروریسم علائم بحران فراگیر کنونی به شمار می‌آیند. ریشه‌ای این بحران را گسستگی ارزش‌ها از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌دهد (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۲).

بازسازی فرهنگی

بازسازی‌گرایان معتقدند که جامعه متجدد و ادامه حیات انسانی باهم رابطه تنگاتنگ دارند. ادامه حیات انسانی و آفرینش تمدن انسانی مستلزم آن است که انسان‌ها به مهندسانی اجتماعی تبدیل شوند تا قادر باشند مسیر تحول را طراحی کرده از علم و فناوری برای نیل به آرمان‌های مطلوب بهره‌گیری نمایند. از این‌روست که آموزش و پرورش مبتنی بر بازسازی اجتماعی، باید اصول زیر را ترویج کند:

۱. بررسی نقادانه میراث فرهنگی؛ ۲. تعهد نسبت به کوشش برای انجام اصلاحات اجتماعی عامدانه؛ ۳. نگرش نسبت به برنامه‌ریزی به‌نحوی که بتوان مسیر تجدیدنظر فرهنگی را ترسیم کرد؛ ۴. آزمودن طرح‌های فرهنگی از طریق اجرای برنامه‌های اصلاح اجتماعی عامدانه. (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۳).

بنیان فلسفی

طرفداران بازسازی اجتماعی ادعا می‌کنند که از آزمایش‌گرایی و عمل‌گرایی جان دیویی پیروی می‌کنند که بر ضرورت بازسازی تجربه فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. بازسازی‌گرایان با بهره‌گیری از تأکید جان دیویی بر بازسازی تجربه، بر دوباره‌سازی تجربه اجتماعی و فرهنگ پافشاری می‌کنند (گوتک ۱۳۹۶: ۴۶۰).

بازسازی‌گرایی با پیشرفت‌گرایی رابطه نزدیکی دارند و درواقع جناح جامعه مدار نهضت پیشرفت‌گرا، پایگاهی بود که بازسازی‌گرایی تربیتی از آن ظهور کرد (همان: ۴۷۷).

اشتراکات و اختلافات

تمام این چهار مکتب تربیتی روی این نکته که تعلیم و تربیت باید در راستایی بهبود دانش و بینش کودکان حرکت کند، تأکید دارند و همچنین بایستی فرآیند تعلیم و تربیت براساس مبانی فلسفی و ایدئولوژیک شکل گیرند؛ لکن اختلاف روی این است که این بهبودی چگونه حاصل می‌شود، پایدار گرایان بیشتر معلم محوراند و معتقدند معلم تنها مرجع انتقال دانش است، ماهیت‌گرایان به انتقال عناصر ماهوی و بنیادی فرهنگ از طریق مدرسه تأکید دارند و طرفدار اقتدار معلم‌اند، پیشرفت‌گرایان معتقدند امیال کودک نباید سرکوب شوند و بر آزادی‌های فردی و فعالیت‌های کودک تأکید دارند، لذا می‌توان گفت، پیشرفت‌گرایان به نحوی کودک محورند، بازسازی‌گرایان دغدغه بازسازی جامعه را دارند، لذا براین تأکید دارند که آموزش و پرورش بایستی در راستای ساختن جامعه مطلوب و رهایش جامعه از بحران حرکت کند.

به لحاظ مبانی فلسفی نیز میان این مکاتب تمایزهای وجود دارند، پایدارگرایی و ماهیت‌گرایی تاحدی به فلسفه‌های سنتی ایدئالیسم و رئالیسم نزدیک است و پیشرفت‌گرایی به پراگماتیسم، ناتورالیسم و لیبرالیسم وابسته‌اند و بالاخره بازسازی‌گرایی به آزمایش‌گرایی، پراگماتیسم، نو لیبرالیسم و اگزیستانسیالیسم ریشه دارد.

این مکاتب از جهت اهداف نیز تفاوت دارند، هدف پایدارگرایی، پرورش عقل و خرد است. ماهیت‌گرایی توسعه رشد عقلانی و تسلط بر مفاهیم و ماده درسی را از اهداف خود می‌داند. در پیشرفت‌گرایی توسعه زندگی دموکراتیک هدف اساسی است و بالاخره از نظر بازسازی‌گرایی، تغییر و اصلاح جامعه هدف‌گذاری شده است (ملکی ۱۳۹۶: ۹۰).

نقد کلی مکاتب تربیتی چهارگانه

باتوجه به دورنمای از این مکاتب چهارگانه، می‌توان گفت که این مکاتب با همه مزایایی که دارند، تمام اهداف و برنامه‌هایشان روی بهبودی شرایط جسمانی و روانی فردی و اجتماعی در همین جهان است و بس، از این لحاظ یکسو

نگراند، درحالی که بر اساس مبانی انسان‌شناختی، انسان حقیقت و هویتش محدود به جسم و زندگی مادی در این دنیا نیست، بلکه براساس فلسفه اسلامی اصالت وجود انسان به روح و روان اوست، در ورایی زندگی محدود جسمانی و مادی، زندگی حقیقی و جاوید انسان در عالم آخرت اتفاق می‌افتد، لذا تعلیم و تربیت بایستی براساس هدف غایی خلقت که قرب الهی است، برنامه‌ریزی شود و اهداف میانی و عام در راستای هدف نهایی هدف‌گذاری گردد تا سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۵). لذا نظریه جامع و کامل در رابطه با تعلیم و تربیت، نظریه رئالیسم اسلامی است (امینی خلف لو، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

مکاتب پایدارگرایی، ماهیت‌گرایی، پیشرفت‌گرایی و بازسازی‌گرایی از مکاتب تربیتی نسبتاً نوظهوری هستند که در غرب به‌ویژه در آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا تأثیر زیادی گذاشته‌اند، این مکاتب به لحاظ تاریخی مربوط به بعد از تحولات رنسانس و عمدتاً در قرن بیستم، به وجود آمده‌اند، هرکدام یک یا چند مبنایی فلسفی دارند، در اهداف، مبانی فلسفی و شیوه تعلیم و تربیت اختلاف دیدگاه دارند. نکته حائز اهمیت این است که این مکاتب نگاه مادی به انسان و تمرکز تعلیم و تربیت روی بهبود شرایط و اهداف زندگی در این جهان دارند، ازاین جهت یکسو نگرند، درحالی که تعلیم و تربیت اسلامی بر سعادت دنیوی و اخروی انسان استوار است و ازاین جهت جامع‌نگر و کامل‌تر و مناسب است.

منابع

۱. افراسیابی، عبدالله، فلسفه پایدارگرایی؛ ریشه‌ها و اثرات، وبسایت صدای معلم؛ sedaye moallem.ir، ۱۳۹۵.
۲. امینی خلف لو، مهناز امیر، بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه‌های مختلف فلسفی، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی علوم تربیتی و رفتاری، تهران، ۳۰ تیرماه ۱۳۹۷.
۳. اهورا، پیشرفت‌گرایی و آموزش و پرورش، وبلاک، یادداشت ۱۸ آذر ۱۳۹۱.
۴. چالمه، رضا، پایدارگرایی و تعلیم و تربیت، وبلاک، یادداشت ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹.
۵. باقری، میثم، پیشرفت‌گرایی و آموزش و پرورش، وبلاک، یادداشت ۱۸ آذر ۱۳۹۲.
۶. خلیلی شورینی، سیاوش، مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، تهران، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۸.
۷. کاردان، علی‌محمد و دیگران، علوم تربیتی ماهیت و قلمرو، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ۱۳۹۵.
۸. گریز، ارنولد، فلسفه تربیتی شما چیست؟، ترجمه بختیار شعبانی ورکی و دیگران، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی، ۱۳۸۳.

۹. گوتگ، جرالد، مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۶، هفدهم.
۱۰. مصباح، محمدتقی و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱، دوم.
۱۱. ملکی، حسن، مقدمات برنامه ریزی درسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۹۴.
۱۲. میرزامحمدی و دیگران، مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایدئالیسم و پراگماتیسم، دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، شهریور ۱۳۸۹، سال پانزدهم، ش ۳۰.
۱۳. وبسایت ویکی پدیا، زندگی نامه پستالوتسی.